

از استان خزر تا استان خراسان

حمید ضیایی پرور [Ziaiy @ journalist.com](mailto:Ziaiy@journalist.com)

طرح تأسیس استان خزر توسط نمایندگان شرق گیلان و غرب مازندران در حال تهیه است و هفته آینده تقدیم مجلس خواهد شد. طراحان طرح معتقدند مازندران هیچگاه رنگ توسعه نمی بیند مگر آنکه استان جدید خزر تأسیس شود.

طی سالهای اخیر بخش شرقی استان مازندران از آن استان جدا شده و تحت عنوان استان گلستان مدیریت می شود. به گفته منابع خبری، پس از تشکیل استان گلستان بودجه این مناطق نسبت به قبل از آن از ۳ برابر تا ۱۷ برابر در بخشهای مختلف افزایش یافته است.

به نظر می رسد نمایندگان استانهای شمالی، اتحاد نظر و تفاهم بیشتری در مورد مسائل توسعه و بودجه مناطق خود نسبت به استانهای همچون خراسان دارند.

آنها با اجازه دادن به طرح نظرات شهرهای مختلف و طی شدن یک بستر طبیعی، روند ایجاد استانهای جدید را پیگیری کرده و به سرانجام رسانده اند بنابراین نباید تعجب کرد که در آینده ای نزدیک ایجاد استان خزر از ایده به واقعیت تبدیل شود، نه لایحه ای، نه تقاضای مسکوت ماندنی، نه تظاهراتی، نه ستاد مردمی استانی شدنی، نه تهدید و اربابی و نه شاخ و شانه کشیدنی، آنها دریافته اند که در سیستم ناقص بودجه ریزی کشور سهم هر استان به نسبت یک بیست و هفتم کل بودجه است نه به نسبت جمعیت، وسعت، نیازمندیها و پتانسیل ها، تا هنگامی

یادداشت سیاسی

که در بر همین پاشنه بچرخد، بسیاری از مناطق ترجیح خواهند داد با تقسیم استانهای بزرگ به استانهای کوچکتر، سهم بیشتری از بودجه کل کشور را از آن خود کنند.

استدلال نمایندگان طراح ایجاد استان خزر هم در نوع خود جالب است آنها می گویند: «مازندران هیچگاه رنگ توسعه نمی بیند مگر آنکه استان جدید خزر تأسیس شود» در واقع آنها هویتی کلی به نام مازندران را مدنظر دارند و توسعه آن دغدغه اصلی شان است بدیهی است برای رسیدن به چنین هدفی، مسائلی مثل مراکز استان جدید، در درجه دوم اهمیت قرار دارد و این همان نکته ای است که در استان خراسان بر سر آن چالش وجود دارد و مانع تحقق لایحه تقسیم خراسان شده است.

در واقع مهمترین و جدی ترین مخالفان تقسیم خراسان هم به شرطی که شهر متبوع آنها مرکز یکی از استانهای جدید باشد با اصل تقسیم مخالفتی ندارند اما رقابت های محلی و منطقه ای و وعده و وعیدهای برخی نمایندگان و بالا بردن توقعات عمومی در شهرهای مختلف استان باعث شده تا مردم هر شهری احساس کنند، عادلانه ترین شکل تقسیم آن است که شهرشان حتماً مرکز استان باشد! و چون این هدف محقق نشده است، مخالفان تقسیم بر ضرورت کسب بودجه بیشتر و حل مشکلات معیشتی مردم متمرکز شده اند.

تجربه تصویب بودجه سال ۱۳۸۲ که در خلال ۶ ماه مسکوت ماندن لایحه تقسیم خراسان بدست آمد نشان داد که این راهکار، به سختی قابل

تحقق است که لازمه آن هم فکر همه نمایندگان مجلس است.

در چنین فضایی دیگران البته بیکار ننشسته اند و به منافع مردم منطقه خود اندیشیده اند.

در این میان برخی ها هم با درنداختن موضوعاتی همچون طرح جامع تقسیمات کشوری یا لایحه ایالتی شدن کشور، مسئله خراسان را به آینده ای نامعلوم حواله می دهند آینده ای که طی آن می توان چند بار دیگر به مردم قول داد از آنان رأی گرفت و بر صندلیهای سرخ تکیه زد. فراز و نشیبهایی که لایحه تقسیم خراسان طی کرده است برای خود تاریخ مفصل و مشروحو دارد، حدود ۵ سال است که مردم خراسان در هول و بلائی تقسیم شدن یا نشدن به سر می برند هر روز یک خبر، هر روز یک رویداد، اما گویا این داستان تمامی ندارد، هیچکس تکلیف را تعیین نمی کند که بالاخره چه باید کرد؟ یکی از این طرف می کشد، یکی دیگر از آن طرف، بالاخره تا کی؟ چرا تصمیم قطعی و نهایی در این قضیه گرفته نمی شود که یا تقسیم بشود یا تقسیم نشود هرچه می خواهد بشود، باید تکلیف یکسره شود، طولانی تر شدن این پروسه و کشدار شدن آن، جز افزایش چالشها و حساسیتها و ایجاد معضلات بیشتر، حاصلی ندارد، اگر در همان مجلس پنجم بجای مکلف کردن وزیر کشور به تهیه لایحه و گذاشتن هفت خوان رستم پیش پای دولت و لقمه را ده بار دور دهان چرخاندن، یک مصوبه قطعی تصویب می شد که استان تقسیم بشود یا نشود، الآن خیال همه راحت بود و اینهمه دردسر بوجود نمی آمد.

آقایان یکبار برای همیشه به این داستان نقطه پایان بگذارید!